

جایگاه ربا در اسلام و حقوق موضوعه

پس از انقلاب اسلامی

احسان علی‌اکبری بابوکانی^{*}

امین ناصری^{**}

چکیده: هدف این مقاله بررسی و تبیین مسئله ربا در حقوق اسلامی و فلسفه حرمت آن به همراه بررسی جایگاه و نحوه برخورد با این پدیده مهلک اجتماعی در حقوق موضوعه ایران می‌باشد. به همین منظور ضمن تعریف و معرفی انواع ربا، به بررسی جنبه‌های مختلف لغوی و اصطلاحی ربا پرداخته شده است. همچنین موضوع ربا از دیدگاه اسلام و قرآن، سنت رسول اکرم (ص)، فقها و مفسرین نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه نیز جایگاه ربا در حقوق موضوعه ایران بعد از انقلاب، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون مجازات اسلامی نیز بررسی شده است. البته روند بحث از مطالب تا حدی که در وسیع مقاله است محل بحث قرار گرفته حال آنکه اطاله بحث خود محتاج کتابی مفصل است.

کلیدواژه‌ها: ربا، اسلام، قوانین موضوعه، حرمت، قرآن، سنت، اجماع فقها.

-
- * دانشجویی کارشناسی ارشد پیوسته، مقطع کارشناسی، رشته الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، گرایش فقه مبانی حقوق اسلامی، ورودی ۱۳۸۴، دانشگاه امام صادق(ع).
- ** دانشجویی کارشناسی ارشد پیوسته، مقطع کارشناسی، رشته الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، ورودی ۱۳۸۴، دانشگاه امام صادق(ع).

مقدمه

ربا یکی از جرائم غیر مشهود در جوامع مختلف بشری اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌باشد و به نوعی سد راه آحاد و رشد اقتصادی گروهی از افراد جامعه می‌شود و در ضمن سنن حسنه‌ای مثل فرض الحسنه را که در دین مبین اسلام بر آن بسیار تأکید شده است، مظلوم واقع کرده و منجر به فراموشی آنها شده و به قیاس اولویت مسائلی مثل فساد اخلاقی، رواج تنبلی و بی‌بندوباری اقتصادی را به همراه داشته است. لذا دین مبین اسلام ربا و طرفین آن را مذموم می‌داند. به تبع آن قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران هم بایستی اشد مجازات را برای فعل این جرم در نظر بگیرد. هدف این مقاله بررسی و تبیین مسئله ربا در حقوق اسلامی و فلسفه حرمت آن و جایگاه و نحوه برخورد با این پدیده مهلک اجتماعی در حقوق موضوعه ایران می‌باشد.

۱- تعریف ربا

ربا از نظر لغوی، معنای مطلق افزایشی شیء است؛ اعم از مال یا غیر آن. (معوف، ۱۳۶۱: ۲۵۰). این معنا همچنین در آیات مختلف قرآن نیز به کار رفته است. از جمله در سوره روم، آیه ۳۹ که می‌فرماید: «در نزد پروردگار افزایش نمی‌یابد» یا، در آیه ۵ سوره حج که می‌فرماید: «چون باران را بر زمین بفرستادیم به اهتزاز در بیاید و نمو کند...». همچنین در آیه ۲۷۶ سوره بقره داریم که می‌فرماید: «خدا پاداش کارهای نیک را افزایش می‌دهد». البته قابل ذکر است که فرهنگ لسان العرب با تعریفی که از لغت ربا می‌کند آن را تنها محصور در زیادت مالی کرده است و زیادت غیرمالی را داخل در تعریف نکرده است. لکن معنای شرعی ربا با معنای لغوی آن تفاوت دارد، چرا که در معنای لغوی اصل زیادت است چه از راه معامله باشد چه از راه تجارت و... حال آن که هر زیادت و اضافه شدنی در مال شرعاً موضوع بحث ربا نمی‌باشد و لذا راغب اصفهانی در تعریف کلمه ربا می‌نویسد: «ربا اصل زیادتی بر مال است ولی از نظر شرع به زیادتی ویژه‌ای اطلاق می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۸۰).

در تعریف ربا در اصلاح سه رویکرد وجود دارد یکی تعاریف علما و مفسران که مبنای روایی دارد و تعاریف کاملی نبوده و دارای اشکال‌هایی می‌باشد. برای مثال در کنز‌العرفان آمده است «معنای لغوی ربا زیادتی است و در شرع به آن زیادتی ربا گفته می‌شود که دو کالای همجنس مکیل و موزون را به تفاضل مبادله کنند» (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۹۰).

در ضمن تعاریفی هم علمای اهل سنت دارند که همانند تعریف فوق تعاریف کاملی نمی‌باشند. چرا که عیب اساسی این تعاریف آن است که یکی از انواع ربا را یعنی ربای معاملی را تنها مورد توجه قرار داده و نوع دیگر آن - ربای قرضی در این تعاریف مهمل گذاشته است (ربای قرضی و معاملی در آینده توضیح داده می‌شود).

اما در این میان رویکرد دیگری هم در تعریف ربا وجود دارد و آن تعریف فقهای امامیه بوده که نسبتاً تعریف مانعی می‌باشد، بدین صورت که «ربا عبارت است از دریافت زیادی در مبادله دو کالای هم جنس که موزون و مکیل باشد و یا دریافت اضافی در قرض با شرط قبلی» (موسایی، ۱۳۷۶: ۲۵). از آن جهت این تعریف را جامع ندانستیم که نوعی از ربا را که مفسران به آن قائلند یعنی ربای جاهلی را شامل نمی‌شود.

قابل ذکر است که منظور از ربای جاهلی نوعی از ربا می‌باشد که در عربستان مقارن با ظهور اسلام رواج داشت و از آن جایی که تخصیصاً از بحث خارج است به آن نپرداختیم - رویکرد دیگری هم در تعریف ربا اصطلاحاً وجود دارد و آن برخاسته از فلسفه حرمت ربا یعنی ظالمانه بودن آن می‌باشد بدین صورت که «دریافت و یا پرداخت هرگونه زیادی ناحق و ظالمانه در مبادلات بر اساس ارزش آنها». (موسایی، ۱۳۷۶: ۲۵-۳۲).

این تعریف اگر واقعاً علت تحریم ربا؛ ظالمانه بودن باشد جامع است اما مانع دخول اغیار نمی‌باشد، از آن جهت که شامل بسیاری از معاملات غیرربوی هم می‌شود حال آنکه شاید آنها ظالمانه باشد اما ربوی به معنای که مراد اسلام می‌باشد، نمی‌باشد و اشکال‌های دیگری هم بر این تعریف مترتب است که مجال بررسی آن در این مختصر نمی‌باشد.

ساحب جواهر نیز دو ملاک برای ربوی بودن شرط می‌داند که باز شامل ربای

جاهلی نمی‌شد بدین شرح که: ربای حرام در دو مورد تحقق می‌یابد:

۱- مبادله دو جنس مشابه با زیادی یکی از آنها به شرط مکیل و موزون بودن.
 ۲- قرض دادن یک جنس به دیگری به شرط بازپرداخت اضافی (نجفی، ۱۳۶۵: ج ۸، ۱۵۰).
 با تمام این اوصاف تعاریف فقهای امامیه از ربا؛ تعاریف جاهلی که مفسران به آن قائلند را در بر نمی‌گیرد ولی این تعاریف بر مبنای روایت‌ها شکل گرفته و در ضمن، ربای جاهلی تخصیصاً محل بحث نمی‌باشد. لذا تعاریفی که فقهای امامیه کرده‌اند از آن جهت که مقصود دین اسلام را از ربا منعکس می‌کنند تعاریف جامع و مانعی می‌باشند.

۲- انواع ربا

ربا در فقه به دو قسم تقسیم شده است:

۱-۲- ربای فرضی

ربای فرضی عبارت است از این که کسی مالی را به دیگری قرض دهد و سپس به صورت صریح یا ضمنی یا بنا بر رویه‌ای که بین طرفین وجود دارد، اضافه بر اصل مال را به نفع خود یا دیگری، شرط دریافت چیزی اعم از مال یا منفعت مالی از قرض گیرنده نموده باشد. این اضافه مزبور را - به شرط اخذ - ربای فرضی می‌گویند (علامه حلی، ۱۳۶۳: ۳۸۰؛ خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۵۳).

تعریف دیگری که از ربای فرضی می‌توان عنوان کرد عبارت است از: «قرض یا تمديد زمان طلب با شرط پرداخت ارزش اضافی عینی یا حکمی به نحو ظالمانه». بر مبنای این تعریف؛ دریافت اضافه در صورتی نامشروع است که از قبل معین باشد و لذا بدون شرط قبلی اگر بدهکار اضافه‌ای را به طلبکار بدهد حرام نبوده و در ضمن در دین مبین اسلام بر آن هم تأکید شده است البته قابل ذکر است در تعریف زیاده خواهی به ازای تمديد مهلت هم اشکالی ندارد؛ حال آنکه از لحاظ فقهی محل اشکال است.
 در تعریف اخیر، نکته ظریف دیگری هم نهفته است که قابل ذکر است و آن اینکه در این تعریف مازاد بر اصل پول و یا کالا به تنهایی ربا نمی‌باشد، بلکه هر گونه امتیاز و تعهدی که ارزش اضافی محسوب شود در این تعریف ربا به شمار می‌آید.

در ضمن مناط در این تعریف ظلم است و لذا قرض‌هایی مصداق ربا خواهند شد که جنبه ظلم و ستم در آنها پیشی گیرد. و اگر قرضی در آن اضافه شرط شده باشد ولی طرفین ظلم و اجحافی نشود مصداق ربا نمی‌باشد. لذا این تعریف جامع، آنچه فقه امامیه اراده فرموده است نمی‌باشد لذا محل نظر و تأمل است.

۲-۲- ربای معاملی

در حرمت ربا نسیه از دیدگاه شیعه هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد، چرا که روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده که می‌فرمایند: «ربا به جز در نسیه وجود ندارد». بر اساس این روایت، عده‌ای ربا را منحصر در ربای قرضی دانسته‌اند. ولی نوع دیگری از ربای حرام، در معاملات و خرید و فروش مطرح است. بدین شرح که أخذ مال اضافه بر ثمن در بیع دو جنس همانند مکیلی یا موزون را ربای معاملی گویند (خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۴: ج ۱، ۶۵۳) در ضمن مال اضافه ممکن است از جنس ثمن یا چیز دیگری باشد.

همچنین در معیار حرمت ربای معاملی نیز علمای شیعه، ربای معاملی را در اشیای همجنس که مکیل و موزون باشد جاری می‌دانند. مبنای آنها هم قاعده معروف فقهی می‌باشد: «ربا تنها در مکیل و موزن است».

معیار دیگری را هم شهید استاد مطهری در کتاب مسئله ربا بیان می‌کند که آن قابلیت اندازه‌گیری و تقدیر است (مطهری، ۱۳۷۶: ۷۸-۷۹). این معیار عام‌تر و فراگیرتر از مکیل و موزون بوده است و اشیای محدودی را که مقدر است، مثلاً اسکناس را نیز در بر می‌گیرد.

۳- حکم ربا در اسلام

در تمام ادیان الهی ربا حرام شمرده شده است و لذا در اسلام به طریق اولی این مسئله باید حرام شناخته شود و در ضمن آن از نظر قرآن، سنت و اجماع علما هیچ‌گونه تردیدی نمی‌باشد تا آنجا که حتی امام خمینی (ره) حرمت آن را تا مرز انکار ضروریات دین دانسته‌اند (خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۴: ج ۱، ۵۳۶). حال در ادامه مقاله به بررسی حکم ربا در منابع استنباط حکم در فقه امامیه می‌پردازیم.

۳-۱- ربا در قرآن

برخی آیات در قرآن کریم حول تحریم ربا بحث می‌کند که عبارتند از:

- «مالی که به ربا می‌دهید تا در اموال مردم افزون شود نزد خدا هیچ فزونی برآن ایجاد نمی‌شود و مالی را که برای خشنودی خدا برای زکات می‌پردازید دو برابر می‌شود» (سوره روم، آیه ۳۹).
- «از عادات زشت یهودیان این بود که ربا می‌گرفتند در حالی که از آن نهی شده بودند و اموال مردم را به ناحق می‌خوردند...» (سوره نساء، آیه ۱۶۱).
- «ای اهل ایمان، ربای به هم فزاینده را نخورید از خداوند بترسید تا رستگار شوید...» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۰).

از این آیات قرآن کریم می‌توان حرمت ربا را از دید خداوند متعال دریافت و این مسئله بیش از آیه اول و دوم، در آیه سوم ظاهر می‌شود چه آنکه خداوند متعال اهل ایمان را به ترس از خدا و دوری از اکل ربا فرا می‌خواند.

خلاصه اینکه همه این آیات، حکایت از شدت حرمت ربا در اسلام دارند. هر چند در خصوص مصادیق ربا، مفسران اختلاف نظر دارند اما در قرآن کریم نوع الحکم ربا متعلق فیه حرمت واقع شده است.

۳-۲- ربا از نظر سنت رسول اکرم (ص)

روایت‌های بسیار زیادی کاشف از قول، فعل و تقریر معصوم در کتب معتبر شیعه و سنی دال بر حرمت ربا وجود دارد که به برخی از آنها اجمالاً در زیر اشاره خواهیم کرد:

- شیخ عباس قمی از رسول گرامی اسلام (ص) چنین روایت می‌کند: «خداوند در روز قیامت شکم رباخوار را به اندازه ربایی که خورده است از آتش جهنم پر می‌کند: هیچ یک از اعمال و کارهای نیک او نمی‌پذیرد تا زمانی که اندکی از اموال ربوی در دستش است، پیوسته مورد لعن و نفرین فرشتگان قرار خواهد گرفت» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۵۰۷).
- رسول اکرم (ص) در جای دیگری هم رباخواری را بدترین کسب‌ها معرفی

می‌کند (حکیمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۴۰۳).

• ابان بن بکیر روایت می‌کند به جناب امام صادق (ع) رسیدم «به ایشان خبر رسید که مردی ربا می‌خورد و آن را شیر می‌نامد. امام (ع) فرمودند: اگر خداوند مرا بر او چیره گرداند، گردن او را خواهم زد» (حرعاملی، ۱۳۴۷: ج ۱۲، ۴۲۹).

• از امیرالمؤمنین علی (ع) نیز چنین روایت شده است که «هرگاه خداوند متعال بخواهد قومی را نابود کند ربا در میان‌شان ظاهر می‌کند. (طبرسی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۳۹۰).

مخلص کلام اینکه درباره حرمت ربا روایت‌های متعددی در کتب شیعه و سنی آمده است و تنها مرحوم حر عاملی در کتاب شریف وسائل الشیعه بیش از سیصد روایت دال بر حرمت ربا جمع‌آوری کرده‌اند، که این کثرت احادیث کاشف از شدت حرمت ربا، نزد ذوات مقدس معصوم می‌باشد.

۳-۳- ربا از دیدگاه اجماع

یکی دیگر از ادله کشف و استنباط احکام اجماع فقها در یک عصر می‌باشد و بنابر نگاهی اجمالی به نظرات فقها، می‌توان اجماع فقها را در باب حرمت ربا دریافت. برای مثال شیخ طوسی می‌گوید: «علما اجماع دارند بر اینکه ربا از گناهان کبیره می‌باشد» (طوسی، ۱۳۴۲: ۵۸۹). همچنین در تفسیر قرطبی آمده است که حرمت ربا اجماعی است (قرطبی، ۱۳۵۵: ۳۴۸).

امام خمینی نیز در تحریر الوسيله چنین می‌فرمایند که: «حرمت ربا به کتاب و سنت و اجماع مسلمین ثابت شده است؛ بلکه بعید نیست از ضروریات دین باشد» (خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۴: ۱۷۵). با توجه به این اجمالی که از قرآن، سنت و اجماع در این مقاله آوردیم به وضوح برای خواننده محترم آشکار می‌شود که دین مبین اسلام برای ربا حکم به حرمت داده است و متقابلاً برای طرفین ربا اشد مجازات را مقرر فرموده است.

۴- جایگاه راه‌های تخلص از ربا در اندیشه امام خمینی (ره)

در کتب قدیم فقهی از جمله کتاب شریف شرح لمعه، شهیدین راه‌هایی را برای تخلص از ربا بیان فرموده‌اند به همین سبک دیگر فقها هم در کتب خود متعرض بحث

پیرامون این راه‌ها شده‌اند. لیکن امام خمینی به طور قاطع نظر خود را مبنی بر عدم جواز توسل به استفاده از حیل جاری برای تخلص از ربا اعلام داشته‌اند. این نوع نگرش حضرت امام شاید منشأش فلسفه تحریم باشد (خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۰۶-۴۰۷). در ضمن لازم به ذکر است در قانون مدنی (قبل از انقلاب اسلامی) أخذ ربا با پوششی شرعی و قانونی مشروع جلوه داده شده بود.^۱

۵- فلسفه تحریم ربا از دیدگاه فقها و مفسران

مرحوم طبرسی علت حرمت ربا را ترک تجارت و مختل ماندن کسب و کار می‌داند (طبرسی، ۱۳۵۰: ج ۳، ۱۸۲).

قطب‌الدین راوندی به نقل از کسی، علت حرمت ربا را همان چیزی دانسته که مرحوم طبرسی بیان فرموده‌اند و ایشان متمسک به روایت امام صادق (ع) شده‌اند که، علت حرمت ربا را ترویج کار نیک می‌دانند، در ادامه ایشان از دیگر عوامل حرمت ربا را مصلحتی می‌داند که فقط خدا بدان آگاه است (راوندی، ۱۳۶۴: ج ۲، ۴۷-۴۸).

علامه طباطبائی درباره علت حرمت ربا می‌فرماید: «اگر ربا حرام شده علتش این بوده که از روش صحیح زندگی خارج است و منافی با ایمان به خدا و ناسازگار با آن است و نیز یکی از مصادیق ظلم است» (طباطبائی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۶۳۹).

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در کتاب ربا و بانکداری اسلامی علل حرمت ربا را چنین محصور فرموده‌اند:

• «ربا اکل مال به باطل است» استناد ایشان آیه‌های ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء و روایت

امام هشتم (ع) درباره فلسفه حرمت ربا بوده است.

• «ربا باز دارنده مردم در تلاش‌های اقتصادی است». متمسک به منقوله هشام از امام

صادق (ع) شده‌اند که می‌فرمودند: «شأن چنین است که اگر ربا حلال می‌بود مردم

تجارت را ترک می‌کردند».

• ربا باعث تضعیف عواطف انسانی است.

• ربا مصداق بارز ظلم می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۱-۴۵).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان دریافت که اساساً فلسفه حرمت ربا در بین فقها و مفسران محل تشکیک و اختلاف است و این تشکیک ناشی از روایت‌های متعدده در این حوزه می‌باشد. اما آنچه بر هر متدینی مبرهن و واضح است این است که شارع مقدس بنا به هر دلیلی حرمت أخذ ربا را قایل شده است و گذشته از فلسفه حرمت، به قیاس اولی باید اهتمام هر متفقه، فقیه و مفسری بر حرمت آن باشد.

۶- جایگاه ربا در حقوق موضوعه پس از انقلاب اسلامی

ربا در قوانین اساسی پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به تبع فقه امامیه، حکم حرمت به خود گرفته است و أخذ ربا مجرم شناخته و مجازات معینی برای آن در نظر گرفته شده است. در ضمن به خلاف قوانین قبل از انقلاب حیل‌گریز از ربا هم تا حدودی در این قوانین عقیم مانده‌اند.

در زیر به بررسی قوانینی خواهیم پرداخت که ضمن پیش‌بینی أخذ ربا، ضمانت‌های اجرایی مؤثر حقوقی و کیفری برای مجرمین و أخذین ربا در آنها مقرر شده است.

۱-۶- قانون اساسی

در بند پنجم از اصل چهل و سوم قانون اساسی، به ممنوع بودن ربا و ناروا تلقی شدن ثروت ناشی از أخذ ربا تصریح شده است. اصل چهل و نهم قانون اساسی هم أخذ ثروت‌های ناشی از ربا و استرداد آن به صاحب حق یا بیت‌المال را از جمله وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران مطرح نموده است (مجموعه کامل قوانین و مقررات اساسی - مدنی با آخرین اصلاحات، ۱۳۸۱).

۲-۶- قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب سال ۶۲

ماده ۲۱ این قانون به صراحت بانک مرکزی را از انجام عملیات بانکی ربوی با هر یک از بانک‌ها و نیز بانک‌ها با یکدیگر ممنوع نموده است. البته این که این قانون

تا چه حدی در روابط بانکی اجرا می‌گردد، محل تأمل و خود نیازمند بحث مفصل بوده و در این مختصر مجال بحث آن نمی‌باشد (عملیات بانکی بدون ربا، ۱۳۶۴).

۶-۳- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵

در ماده ۵۹۵ قانون مذکور چنین آمده است که: هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل: بیع، قرض، صلح و امثال آن که جنسی با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زیادی پرداخت دریافت نماید، ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده و یا ربا گیرنده و واسطه بین آنها، علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌شوند (مجازات اسلامی، ۱۳۷۶).

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان دریافت که رابطه معنای لغوی ربا و معنای اصطلاحی آن عموم و خصوص مطلق بوده و به عبارت دیگر معنای لغوی آن اعم از معنای اصطلاحی می‌باشد. چرا که در معنای اصطلاحی، زیادی و اضافه‌ای که مد نظر می‌باشد نوع خاصی از زیادی با همان شرحی است، که در متن آمد. علاوه بر این مطلب، از مباحث مطرح شده می‌توان دریافت که ربا در منابع استنباط دین اسلام کاملاً مذموم و حرام شمرده شده و بنا به مصالح مختلفی که برخی از آنها در متن گذشت، در فقه حکم به حرمت آن شده است. لیکن فلسفه تحریم آن در دین مبین اسلام در بین علما، فقها و مفسران محل اختلاف می‌باشد. در ضمن جالب توجه این که در حقوق موضوعه قبل از انقلاب نه تنها هیچ‌گونه اقدامی جهت مبارزه با این پدیده شوم انجام نگرفته بود بلکه، از مطالعه سطحی برخی قوانین، رایحه تجویر ربا استشمام می‌شد. لیکن به یمن پیروزی انقلاب اسلامی در برخی قوانین این پدیده شوم غیر شرعی شناخته شده است، مرتکب آن مجرم شناخته و مجازات متناسب برای هر یک از طرفین ربا و واسطه‌ها در نظر گرفته شده است و این نوع نگرش در قوانین موضوعه برگرفته از، قوانین الهی دین مبین اسلام - فقه امامیه - می‌باشد.

بی‌نوشت‌ها:

- ۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه: ر.ک: حسن علی مؤذن زادگان (۱۳۷۸)، بررسی جرم ربا در حقوق موضوعه ایران (قسمت اول)، فصلنامه وام، سال چهارم، شماره ۱۲.

فهرست منابع و مأخذ:

- ۱- ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۲)، ربا و قرض در اسلام، قم: بوستان کتاب.
- ۲- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۴۷)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۳- حکیمی، محمدرضا (۱۳۶۳)، الحیاه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، کتاب البیع، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ۵- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۴)، تحریرالوسیله، قم: دارالعلم.
- ۶- راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۷)، مفردات الفاظ قرآن: صفوان تحقیق عدنان داوودی، قم: انتشارات طلیعه النور.
- ۷- راوندی، قطب‌الدین (۱۳۶۴)، فقه القرآن، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
- ۸- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: دفتر نشر اسلامی.
- ۹- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه حسین نوری، و محمد مفتح، تهران: فراهانی.
- ۱۰- طوسی، محمدبن حسن (۱۳۴۲)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قیصر العاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۱۱- علامه حلی، حسین بن یوسف (۱۳۶۳)، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، تهران: انتشارات اسلامیه.

- ۱۲- عملیات بانکی بدون ربا: مجموعه مصوبات مربوط به عملیات بانکی بدون ربا شامل... (۱۳۶۴)، دوره آموزش و مطالعات نیروی انسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز آموزش بانکداری.
- ۱۳- قانون مجازات اسلامی: حدود قصاص، دیات، تعزیرات مجازات‌های بازدارنده مصوب دوم خرداد ۱۳۷۵... (۱۳۷۶)، تنظیم و تصحیح علی اکبر عبداللهی، تهران: اردیبهشت.
- ۱۴- قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۵۵)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۵- قمی، عباس (۱۳۶۳)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تهران: فراهانی.
- ۱۶- مجموعه کامل قوانین و مقررات اساسی - مدنی با آخرین اصلاحات (۱۳۸۱)، تدوین فرج‌الله قربانی، تهران: دانشور.
- ۱۷- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، مسأله ربا، تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۸- معطوف، لوئیس (۱۳۶۱)، منجد، ترجمه محمد بندریگی، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶)، ربا و بانکداری اسلامی: تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، قم: مؤسسه امام علی (ع).
- ۲۰- مؤذن‌زادگان، حسن علی (۱۳۷۸)، بررسی جرم ربا در حقوق موضوعه ایران، فصلنامه وام، سال چهارم، شماره ۱۲ و ۱۳.
- ۲۱- موسایی، میثم (۱۳۷۶)، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، تهران: موسسه تحقیقات پول بانکی.
- ۲۲- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام [محقق حلی]، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۳- نوری کرمانی، محمد امیر (۱۳۸۱)، موضوع شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر، قم: بوستان کتاب.